

نگاهی به تصحیح تازه ترجمان البلاغه

مهرداد چترایی

شواهدی پرداخته‌اند و کتاب را از صورت اصلی به در آورده‌اند.» (ص ۴۷)

همچنین در سال ۱۳۸۰، همان متن ترجمان البلاغه مصحح آتش یک بار دیگر با ترجمه مقدمه ترکی مصحح و توضیحات دیگری به کوشش توفیق سبحانی و دکتر اسماعیل حاکمی در سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شد. البته باید دانست که «کوشندگان» تشخیص دادند که «متن مجدداً حروفچینی شود و شیوه‌املائی امروزی در آن اعمال گردد تا خواندندش آسانتر شود.»^۴ این همه توجه و بررسی، نشان دهنده آن است که متن ترجمان البلاغه اهمیت فراوانی دارد. تلاشهای دیگر برای تصحیح و رفع ابهامهای این کتاب مانند مقالات مرحوم فروزانفر و استاد دکتر شفیع کدکنی در باب ترجمان البلاغه نیز مؤید اهمیت این کتاب است.

اخیراً، کتاب ترجمان البلاغه با تصحیح تازه و به همراه مقدمه‌ای مفصل و با یادداشتهای گوناگون و فهرستهای متنوع به اهتمام دکتر محمدجواد شریعت، به زور طبع آراسته شده است. در بخشی از تعلیقات مصحح در اهمیت کتاب، چنین آمده است:

«۱. به طور تحقیق می‌توان گفت که اولین کتاب بلاغی پس از اسلام به زبان فارسی، همین کتاب ترجمان البلاغه است، زیرا کتب دیگر از قبیل کمال البلاغه... و محاسن الکلام (مرغینانی) و امثال آنها همه به زبان عربی و درباره ادب عربی بوده است و اگر در میان متون فارسی گاه‌گاهی به علوم بلاغی اشاره‌ای می‌شده، در حد کتابی مستقل نبوده است.

۲. این کتاب مشتمل بر اشعار شعری است که از آنها جز نامی نمانده است و بعضی از آنها اصولاً بی‌نام و نشانند و اگر این کتاب فقط همین امتیاز را می‌داشت، کافی بود.

۳. نسخه‌ای که از این کتاب به دست آمده است، اولاً به خط شاعری است که شاگرد و دوست اسدی طوسی بوده است، ثانیاً شاید بتوان گفت که این نسخه ششمین نسخه خطی است (از نظر قدمت) که به دست ما رسیده است.» (ص ۳۸۵)

بنابراین می‌توان گفت این تصحیح تازه چهارمین تصحیح از این کتاب است که پس از تصحیح‌های احمد آتش، علی قویم و توفیق سبحانی - دکتر حاکمی به دستداران و علاقه‌مندان عرضه شده است که در حقیقت جامع آن سه تصحیح نیز هست و مزیت‌هایی هم بر آن سه دارد.

گفتنی است پس از انتشار تصحیح سبحانی - حاکمی، مقاله‌ای از دکتر شریعت در نقد و بررسی آن تصحیح در نشر دانش (س ۱۹، ش

ترجمان البلاغه. محمدبن عمر الرادویانی. به اهتمام محمدجواد شریعت. اصفهان: دژنِشت، ۱۳۸۶. ۴۷ ص. ۸۹۱ + ص.

«ترجمان البلاغه، قدیم‌ترین اثر ادبی ایران بعد از اسلام، به فرخی، شاعر بزرگ عهد غزنوی منسوب بوده است و کلیه منابع موجود، این معنی را می‌رساند. رشیدالدین وطواط (متوفی ۵۷۳ ق) در مقدمه حدایق السحر فی دقایق الشعر از ترجمان البلاغه بدون ذکر نام مؤلف یاد کرده است... دومین مؤلفی که از ترجمان البلاغه سخن گفته، جغرافی‌دان بزرگ، یاقوت حموی (متوفی ۶۲۶) است که در ارشادالاریب الی معرفة الادیب می‌نویسد: «وله من التصنیف حدایق السحر فی دقایق الشعر باللغه الفارسیه الفه لابی المظفر خوارزمشاه و عارض به کتاب ترجمان البلاغه لفرخی الشاعر الفارسی»^۱.

آنچه مرحوم آتش در مقدمه خویش بر ترجمان البلاغه نوشته و با جمله‌های فوق شروع می‌شود، هر چند نخستین بررسی دقیق و مفصل و معرفی گونه‌ای است که درباره آن کتاب صورت گرفته، ولی در حدود سه سال پیش از انتشار ترجمان البلاغه با تصحیح و مقدمه آتش، دکتر رضازاده شفق در شماره پنجم سال اول مجله یغما (مرداد ۱۳۲۷) در یادداشتی کوتاه، نسخه منحصر به فرد ترجمان البلاغه را که در کتابخانه معروف فاتح استانبول ترکیه دیده بود، معرفی کرد:

«... مطلب تازه و عجیب که هست، این است که نام مؤلف این کتاب به موجب آنچه با خط متن در آغاز کتاب ثبت است، فرخی نیست بلکه شخصی است به نام محمدبن عمر الرادویانی...»^۲

نسخه مذکور که مورخ ۵۰۷ هجری است در سال ۱۹۴۹ میلادی با تصحیح و مقدمه و یادداشتهای احمد آتش، دانشمند ترک به همراه تصویر اصل نسخه به چاپ رسید و پس از آن دو مقاله انتقادی نسبتاً مفصل از ملک‌الشعراى بهار درباره شیوه کار احمد آتش در مجله یغما به چاپ رسید (یکی در شماره‌های ۷ و ۸ و ۹ سال ۱۳۲۸ و دیگر در شماره ۱۲ همان سال) که مرحوم آتش به مقاله نخست ملک‌الشعرا پاسخ داد.^۳ از مقالات مفصل دیگری که پس از انتشار ترجمان البلاغه منتشر شد، نوشته مرحوم عبدالحمید حبیبی (دانشمند افغانی) بود که در مجله آریانا (س ۸، ش ۲، ۱۳۲۸) به چاپ رسید.

پس از انتشار نسخه ۵۰۷ با تصحیح احمد آتش، نسخه‌ای هم در ایران به کوشش علی قویم منتشر شد. «نسخه قویم متأسفانه چندان قابل اعتماد نیست زیرا ایشان در جای جای کتاب از خود به نقل

۳، پاییز ۱۳۸۱) منتشر شد و لغزشهایی که در کار آن دو مصحح ارجمند راه یافته بود، در مقاله مذکور باز نموده شد؛ که مهمترین اشکال آن تصحیح، تغییر رسم الخط نسخه ۵۰۷ است که «شیوه املاي امروزي در آن اعمال شده». همچنین مصححان محترم (دکتر اسماعیل حاکمی - توفیق سبحانی) در تصحیح خویش فقط از یادداشت‌های انتقادی ملک‌الشعرای بهار و مقاله دکتر شفیعی کدکنی بهره برده‌اند و به مآخذ و منابع دیگری که به تصحیح و اصلاح متن کمک می‌کرد توجهی ننموده‌اند (مخصوصاً به مقاله عبدالحی حبیبی و نیز منبع اصلی *ترجمان البلاغه* که به قول رادویانی، *محاسن الکلام* مرغینانی است). به همین جهت بعضی بدخوانی‌ها و غلط‌هایی در تصحیح مذکور راه یافته که بیش از ۵۰ مورد آن را در مقاله انتقادی دکتر شریعت می‌توان خواند.

امتیازات و ویژگی‌های تصحیح تازه‌ای را که دکتر محمد جواد شریعت از *ترجمان البلاغه* عرضه کرده‌اند، می‌توان چنین بر شمرد:

۱. پیشگفتار سی و هشت صفحه‌ای درباره پیشینه علوم بلاغی و معرفی و بررسی منابع قدیم و جدید بلاغت. این پیشگفتار به شکلی مختصر اما جامع، کلیه آرای دانشمندان این علم را در زبانهای فارسی و عربی ارائه می‌کند و سیر تحول و تطور آن را نشان می‌دهد.
۲. پس از تاریخچه مفیدی که در ابتدای کتاب آمده، چند صفحه‌ای درباره شیوه تصحیح و تحقیق متن نگاشته شده که در ضمن آن نسخه‌هایی که از آنها در تصحیح بهره‌برده شده و نیز منابع پژوهشی معرفی شده است.

۳. متن کتاب *ترجمان البلاغه* که براساس نسخه ۵۰۷ و نیز مقابله با متن مصحح مرحوم آتش و نسخه علی قویم، تصحیح شده است. درباره تصحیح متن، این نکته گفتنی است که تمام صفحات این تصحیح دقیقاً با چاپ مرحوم آتش مطابقت دارد؛ این کار پسندیده مصحح به این علت بوده است که ارجاعات قبلی محققان به این کتاب، در این تصحیح تازه نیز کاربرد داشته باشد. همچنین چون برای متن *ترجمان البلاغه*، فرهنگ بسامدی تهیه شده، تطبیق این تصحیح با تصحیح آتش، آن فرهنگ را برای هر دو تصحیح، قابل استفاده کرده است.

برای مقایسه و نشان دادن وجوه امتیاز تصحیح حاضر بر متن مصحح آتش (و نیز تصحیح سبحانی - حاکمی) کافی است نگاهی به حواشی مصحح در پایین صفحات متن بیفکنیم:

(الف) به تمام اصلاحات ملک‌الشعرای بهار (که در انتقاد از تصحیح آتش نوشته است) توجه شده است. همچنین است توجه به دیدگاه‌های استاد دکتر شفیعی کدکنی و عبدالحی حبیبی.

(ب) اختلافات اساسی نسخه ۵۰۷ با نسخه قویم در پانوشت صفحات ذکر شده است که می‌توان مهمترین آن اختلافات را ضمیمه‌های ۱ و ۲ دانست که در میان صفحه ۱۳۱ تصحیح دکتر شریعت قرار گرفته است؛ این دو صفحه، جزء آخر از فصل ۶۹ با عنوان «فی الکلام الجامع» و جزء نخست از فصل ۷۰ با عنوان «فی الابداع» است که از نسخه ۵۰۷ افتاده بوده و در تصحیح آتش هم نیامده است (طبعاً در چاپ سبحانی - حاکمی هم نیست). خوشبختانه این دو

صفحه افتادگی در نسخه قویم کتابت شده که مصحح آن را از نسخه قویم نقل کرده است. (البته در زیرنویس صفحه ۱۳۱ و نیز در توضیحات و فهرست کتاب، این قسمت که به صورت ضمیمه و خارج از صفحات اصلی به چاپ رسیده با شماره‌های ۱، ۲، ۳ معرفی شده است، در حالی که در حروفچینی فقط ضمیمه شماره ۱ و ۲ در بر گیرنده آن افتادگی است و از میانه صفحه ضمیمه شماره ۳ متن اصلی ادامه پیدا می‌کند که گویا این اشتباه مربوط به چاپ و صفحه‌آرایی کتاب باشد.)

(پ) از نمونه بدخوانی‌های چاپ سبحانی - حاکمی می‌توان به اینها اشاره کرد:

- ص ۷، س ۲: متن دکتر شریعت: طلب‌المجاوزه، متن دکتر سبحانی - دکتر حاکمی: طلب‌المجاوزه. (و نیز ص ۱۲۷، س ۱۴)

- ص ۲۴، س ۱۵: شریعت: نه هرگز شدش، سبحانی - حاکمی: که نه کژ شدش.

- ص ۶۴ س ۱۳: شریعت: بخشش، سبحانی - حاکمی: بخش.

- ص ۷۲ س ۷: شریعت: من بی‌تی ندیدم، سبحانی - حاکمی: مرتبتی ندیدم.

- ص ۷۴ س ۸: شریعت: بی‌أس، سبحانی - حاکمی: به پاس.

- ص ۸۸ س ۹: شریعت: مُعْتَرِضْ شود، سبحانی - حاکمی: مُعْتَرِضْ شود.

- ص ۹۰ س ۱: شریعت: بر سر جنگ. سبحانی - حاکمی: بر سرهنگ.

- ص ۱۲۱، س ۵: شریعت: تخم افکن بد، سبحانی - حاکمی: تخم بدافکن.

(ت) در این تصحیح، ضمن اینکه تصویر اصل نسخه ۵۰۷ در پایان کتاب آمده است، تمام ضبط‌های متن به شیوه کتابت قدیم ارائه شده است. مصحح در تعلیقات خویش بر این کتاب، توضیحاتی درباره املاي کلمات داده‌اند؛ رعایت قاعده دال و ذال، اتصال «به» حرف اضافه به کلمه بعد از آن، مطابق اصل نسخه، نگارش «که» حرف ربط به شکل «کی» و «آنچه»، «آنکه»، «چنانکه» به شکل «آنچ»، «آنک»، و «چنانک» و... این رسم پایبند بودن به ضبط اصل نسخه به این دلیل است که به عقیده مصحح، «این کتابها را مردم عادی نمی‌خوانند بلکه استادان و متخصصان ادبیات از آنها بهره می‌برند و می‌توانند با استفاده از تصویر اصل نسخه که در پایان کتاب آورده شده به هیئت و شکل قدیمی متن پی ببرند.» (ص ۵۸)

به هر حال در تصحیح متن بجز استفاده از مقالات گفته شده به متون و منابع متعدد دیگری مراجعه شده و به ویژه برای اصلاح و تکمیل اشعار متن *ترجمان البلاغه*، از دیوانهای شعرا و تذکره‌های شعر فارسی نیز بهره برده شده است؛ *المعجم شمس قیس رازی*، *تاریخ گزیده*، *چهار مقاله*، *لباب‌الالباب*، *مجمع الفصحاح*، *حدائق‌السحر* و... از جمله منابع مذکور است.

۴. تعلیقات کتاب که بیش از ۳۰۰ صفحه است، مفصل‌ترین بخش کتاب را در بر می‌گیرد و نشان از دقت و کوشش فراوان مصحح دارد. در این تعلیقات - که شامل دیدگاه‌های محققانی نیز هست که

پیش از این در باب **ترجمان البلاغه** اظهار نظری کرده‌اند - درباره تمام اصطلاحات، اعلام (اشخاص، کتابها، القاب، جایها) و حتی عبارات یا واژه‌های قابل بحث کتاب توضیحات کافی ارائه شده است. برای مثال، تمام آرایه‌های معرفی شده در متن براساس منابع و مأخذ معتبر و معروف دیگر شرح و شواهد متعدّد فارسی و عربی برای آنها نقل شده است؛ این کوشش خود در حکم تحقیقی جداگانه و مستقل است و به ویژه برای علاقه‌مندان به سیر تحوّل آرایه‌های ادبی و تنوع دیدگاه‌های متخصصان آن، بسیار مفید تواند بود. مخصوصاً آنکه مصحح کتاب، تمام منابع علوم بلاغی را که از قدیم تا زمان حاضر نوشته شده، دیده و آرا و نظریه‌های دانشمندان علوم بلاغی را که گاه با آنچه در **ترجمان البلاغه** آمده اختلاف دارد، نقل کرده‌اند.

مصحح پس از تشریح جزء جزء مقدمه مؤلف **ترجمان البلاغه**، که از صفحه ۲۵۷ تا ۲۹۶ تعلیقات کتاب را در برگرفته است، «در مابقی تعلیقات به ذکر معنی لغات و ترکیبات و اصطلاحات» نپرداخته، خوانندگان را به فرهنگ بسامدی و واژه‌نمای کتاب ارجاع داده است. در صفحه ۲۸۵ که مصحح به خصوصیات رسم الخط کتاب پرداخته، به مطالبی که در صفحه عنوان نسخه ۵۰۷ **ترجمان البلاغه** آمده، اشاره کرده است و می‌نویسد: «... همان‌گونه که در کلیشه صفحه مقابل می‌بینید در اطراف این عنوان کتاب این مطالب نوشته شده است: لاتفتروا باریعه اشیاء بمرعات السلطان و تملق النسوان و ضحك العدو و حرّ الشتاء. الدعاء السحری بالاجابه الحری صاحبه محمد بن علی بن حسین فی موجبہ (?). انتقلت فی یدہ فی شهر رمضان المبارک سنہ ثلاثین و ستمائہ علی محمد و آلہ. ان شبرا فی شبر تسع متحابین و ان الدنيا باسرها لاتسع متباغفین (?). مثل: من جاد ساد و من ترک الفساد فساد. صاحبه ابوالقاسم عبدالکریم بن فضل الله بن عبدالصمد احسن الله عاقبتہ... فی شهر المبارک رمضان سنہ ستّ و ثلاثین و سبعمائہ...» (ص ۲۸۶)

نکته نخست درباره مطالب مزبور اینکه، در تصویر نسخه خطی **ترجمان البلاغه** که در پایان کتاب گراور شده است، این عبارات و جمله‌ها دیده نمی‌شود و تنها در صفحه عنوان کتاب بجز نام کتاب و مصنف آن، چنین جمله‌ای دیده می‌شود:

«بالتماس (?). الادیب رئیس الاجل السید منتجب الملک عمادالدین بن عبدالواحد بن مظفر بن یوسف الام الله علوه» (ص ۲۸۵) و اینکه آیا در تصویری که از نسخه ۵۰۷ در اختیار مصحح گرامی بوده، آن مطالب در همین صفحه عنوان بوده یا در صفحه پیش از آن، بر این بنده پوشیده است و با اینکه تصویر آن مطالب در گراور نسخه در پایان کتاب نیست، اغلاطی در آن عبارات به چشم می‌خورد که از همه مهمتر کلمه «بَارَبَعَة» است که به نادرست «باریعه» نوشته شده و نیز کلمه «متباغفین» که معلوم نیست اصل آن چه بوده است. مصحح نیز با گذاشتن علامت سؤال به ابهام آن کلمه اشاره کرده‌اند. و بجز این، کلیشه‌ای از صفحه مذکور و مطالب گفته شده، که مصحح بدان ارجاع داده‌اند، در هیچ جای کتاب دیده نمی‌شود.

۵. پس از تعلیقات مفصل و مفید، فهرستهای متنوع آورده شده است؛ فهرست آیات قرآنی، فهرست احادیث و امثال عربی، فهرست

اشعار عربی به ترتیب الفبایی صدور ابیات، فهرست اشعار عربی به ترتیب اعجاز ابیات، فهرست ضرب‌المثل‌های فارسی، فهرست مصراعهای فارسی، فهرست اشعار فارسی به ترتیب الفبایی آغاز ادبیات، فهرست اشعار فارسی به ترتیب الفبایی پایان ابیات، فهرست محور عروضی و نوع شعر (مربوط به حواشی و تعلیقات مصحح)، فهرست عام اصطلاحات ادبی و بلاغی، فهرست عام اعلام و فهرست مأخذ، جوینده را به راحتی کمک می‌کند. نکته مهمی که پیشتر نیز بدان اشاره شد، این است که چون در تصحیح متن حاضر، ترتیب صفحات متن درست مطابق با متن مصحح آتش چاپ شده، فهرستهای یادشده - بجز آنها که به حواشی مصحح مربوط است - برای کسانی که متن آتش را نیز در اختیار دارند قابل استفاده و تطبیق است.

پس از فهرستهای مذکور، «فرهنگ واژه‌نمای ترجمان البلاغه و بسامدی آن» ارائه شده است.

پیش از فرهنگ واژه‌نما در یادداشت مصحح روش کار وی در تنظیم واژه‌نمای **ترجمان البلاغه** تشریح شده که می‌تواند به عنوان الگوی تهیه چنین فرهنگ‌هایی برای مؤلفان این فرهنگ‌ها به کار آمد.

این واژه‌نما و فرهنگ بسامدی در چهار بخش به ترتیب: فرهنگ واژه‌نمای **ترجمان البلاغه**، بسامد ادات و کلمات مرکب و مرکزات، بسامد وجوه مصدری، بسامد افعال مرکب و گروه فعلی و عبارات فعلی متن **ترجمان البلاغه**، منظم شده است و در برابر هم مدخل ابتدا تعداد تکرار (بسامد) و سپس معنا و هویت دستوری آن مدخل و در آخر، براساس صفحه و سطر، جای یا جاهای آن مدخل در متن کتاب، نشان داده شده است.

۶. آوردن تصویر نسخه خطی ۵۰۷ **ترجمان البلاغه** (فاکسیمیله) در پایان کتاب بر فواید این تصحیح تازه می‌افزاید. البته در چاپ مرحوم آتش و نیز چاپ سبحانی - حاکمی هم تصویر نسخه مذکور آورده شده است. به نظر نگارنده این سطور چنانچه این شیوه پسندیده در تمام متون مصحح رایج شود، خوانندگان این نوع متون می‌توانند با مراجعه به تصویر نسخه‌ها از جمله درباره چگونگی تصحیح متن داوری کنند. البته وقتی اساس تصحیح یک متن، نسخه‌ای منحصر به فرد باشد، آوردن تصویر نسخه ضرورت بیشتر خواهد داشت؛ هر چند در تصحیح متونی که حجم آنها زیاد است و دارای نسخه‌های خطی متعددی هم هستند، نمی‌توان از مصحح انتظار آوردن تصویر نسخه‌ای مفصل و حجیم یا نسخه‌هایی متعددا داشت.

باری، تصویر نسخه مؤرخ ۵۰۷ **ترجمان البلاغه** در پایان این تصحیح تازه، متأسفانه فاقد شماره‌هایی است که متن تصحیح شده بدان صفحات اشاره می‌کند؛ بدین توضیح که در متن تصحیح شده، شماره‌هایی در کنار صفحه آمده که قاعدتاً باید از روی آن شماره‌ها بتوان جای همان صفحه را در تصویر نسخه خطی یافت ولی در تصویر نسخه خطی که در پایان کتاب آمده، چنان شماره‌هایی وجود ندارد و این بی‌دقتی گویا از طرف پردازنده و صفحه‌آرای کتاب ناشی

تکمیل تعلیقات آن، از آنها سود برده‌اند. و حاصل کار، متن مصحح و منقح تر جمان‌البلاغه است به همراه تعلیقات سودمند و راهگشایی که به آنها اشاره شد.

۱. محمدبن عمرالرادویانی، تر جمان‌البلاغه، به کوشش احمد آتش، ج ۲، (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲)، صص ۸-۷.
۲. رضازاده شفق، «نسخه تر جمان‌البلاغه»، یغما، س ۱، ش ۵، (مرداد ۱۳۲۷)، ص ۲۰۰.
۳. مجله دانش، س ۱، ش ۱۱-۱۰.
۴. محمدبن عمرالرادویانی، تر جمان‌البلاغه، به کوشش توفیق سبحانی و اسماعیل حاکمی، (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۱۳.

شده و زحمتش بر خواننده است که خودش صفحات تصویر نسخه را طبق همان شماره‌های مندرج در متن مصحح - از ۲۳۴۸ تا ۲۹۰۸ - شماره‌گذاری کند. البته گفتنی است که این بنده وقتی متن تصویر نسخه را شماره‌گذاری کردم، متوجه شدم که در چاپ تصویر نسخه صفحه‌های ۷۹۱ و ۷۹۲ به ترتیب با صفحه‌های ۷۹۳ و ۷۹۴ شبیه هستند و در شماره‌گذاری باید این صفحات مکرر را دو صفحه به حساب آورد.

به هر حال، با اینکه این کتاب در سال ۱۳۶۱ آماده انتشار بوده است، اما چاپ آن ۲۵ سال به تعویق افتاده و البته مصحح گرامی پژوهشها و نیز تصحیح‌هایی را که در فاصله این سالها درباره تر جمان‌البلاغه به انجام رسیده، دیده‌اند و در تصحیح بهتر متن و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
منتشر شد:
رتال جامع علوم انسانی

نمایه دهساله جهان کتاب

سال اول تا سال دهم
(۱۳۷۴ - ۱۳۸۴)